یادداشت

محسن سلگی

منطق پنهان غربی که باید افشا شود

توصیه اخیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی مبنی بر تمرکز بر نقاط ضعف دشمن و ضرورت اتخاذ آرایش جنگی رسانه‌ای را نباید تنها یک فراخوان تاکتیکی یا واکنشی سیاسی فهم کرد. این توصیه، پیش از هر چیز، بیانگر درکی ساختاری از ماهیت قدرت در زمان اکنون است؛ زمانی که در آن سلطه محدود به زور نظامی نیست و از مسیر کنترل روایت، تولید معنا و مدیریت ادراک جمعی اعمال می‌شود. از منظر چپ نو، سخن رهبر حکیم دعوتی است به افشای تناقضات درونی نظمی که مدعی امنیت، آزادی و پیشرفت است، اما در عمل ناامنی، بی‌ثباتی و خشونت ساختاری را بازتولید کرده است.

ایالات متحده به عنوان مرکز ثقل نظم غربی، نمونه‌ای برجسته از شکاف میان قدرت مادی و امنیت زیسته است. تداوم قتل‌های مسلحانه در محیط‌های دانشگاهی امریکا در سال ۲۰۲۵، در فضاهایی که نماد عقلانیت مدرن و تولید دانش تلقی می‌شوند، نشانه‌ای از شکست زیست سیاست لیبرال است.

دانشگاه که باید محل تولید معنا و امنیت نمادین باشد، خود به صحنه عریان خشونت بدل شده است. در این زمینه، دولت بیش از تولید زندگی امن، مرگ و خشونت را مدیریت می‌کند.

امنیت امریکایی پروژه‌ای انسانی نیست، صورت‌بندی نهادی حفظ نظم سرمایه‌سالار است. آنچه در این جامعه جریان دارد، به تعبیر جورجو آگامبن، فیلسوف ایتالیایی گسترش وضعیت استثنایی به دل زندگی روزمره است. مبتنی بر تتبعات فکری وی، خشونت مسلحانه، نظارت فراگیر، قطبی‌سازی سیاسی و ترس دائمی، دیگر وقایع اضطراری نیستند بلکه به هنجار و وضع متداول بدل شده‌اند. در چنین شرایطی، مرز میان وضعیت عادی و اضطراری فرو می‌ریزد و شهروند، به «زندگی برهنه» تقلیل می‌یابد؛ حیاتی که باید مدیریت شود، اما پاسداشت نمی‌شود. فضای ناامن سیاسی امریکا که در تهدیدها و خشونت‌های پیرامون چهره‌هایی چون چارلی کرک بروز یافته، نشانه فروپاشی میدان گفت‌وگوی عمومی است. در این شرایط، کنش سیاسی از گفت‌وگو تهی و خشونت به زبان غالب بدل شده است. این وضعیت حاصل تناقضات درونی لیبرالیسم است، درست در زمانی که آزادی بیان باشد اما عدالت نباشد، آزادی به منطق حذف یا حذف منطق می‌انجامد.

رژیم‌صهیونیستی نیز وضعیتی مشابه اما فشرده‌تر و البته سست را تجربه می‌کند. رژیمی که بقای خود را بر کنترل دائمی، نظارت همه‌جانبه و برتری نظامی کوتاه‌مدت و شکننده و وابسته بنا کرده است. از منظر فوکویی (میشل فوکو فیلسوف فقید فرانسوی)، اسرائیل شکل پیشرفته‌ای از دولت امنیتی است که در آن، زیست‌سیاست به سیاست مرگ نزدیک می‌شود.

افزایش کنترل به کاهش مشروعیت انجامیده و جنگ فرسایشی، امنیت را از ابزار بقا به تهدید وجودی تبدیل کرده است. این همان وضعیتی است که آگامبن آن را تداوم استثنا می‌نامد؛ وضعیتی که در آن قانون به نام امنیت معلق می‌شود.

ناتو نیز در امتداد بحران مذکور قابل تحلیل است. این ائتلاف نمونه وحدت راهبردی پایدار نیست؛ ائتلافی ناپایدار از منافع متعارض است که در آن همبستگی بیش از آنکه واقعی باشد، روایی است. وابستگی ساختاری به ایالات متحده، ناتو را به بازتابی از بحران‌های درونی قدرت مسلط بدل کرده و توان آن را برای تولید امنیت مستقل کاهش داده است.

در لایه‌ای عمیق‌تر، بحران مشترک امریکا، اسرائیل و ناتو را باید بحران معنا در فهم امنیت دانست. امنیت در این نظم، دیگر پاسخی به خطر نیست بلکه به وارونه، خودش مولد خطر است. به بیان دیگر، امنیت به ابزار انضباط، کنترل و بازتولید سلطه تبدیل شده و از پیوند با عدالت اجتماعی گسسته است. نتیجه، جامعه‌ای است که در آن دانشگاه، خیابان و عرصه سیاست همزمان ناامن می‌شوند.

در صورت‌بندی نظری مذکور، توصیه رهبر انقلاب به حمله به نقاط ضعف دشمن و آرایش جنگی رسانه‌ای، دعوت به افشای همین منطق‌های پنهان قدرت است. جنگ رسانه‌ای در این قرائت تبلیغات سطحی نیست بلکه فرای این، کنشی انتقادی و آگاهانه برای برهم‌زدن گفتمان مسلط، افشای وضعیت استثنایی و بازگرداندن سیاست به میدان معناست. تمرکز بر قتل‌های دانشگاهی، خشونت سیاسی و ناامنی ساختاری در قلب نظم غربی، تمرکز بر لحظاتی است که به تعبیر فوکو، قدرت خود را عریان و آسیب‌پذیر نشان می‌دهد.

خبر

نماینده ولی فقیه در سپاه:

دشمن با نیرنگ فرهنگی و تبلیغی به جنگ ما آمده است

دشمنان ما در پی شکست‌های نظامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید با نیرنگ‌های فرهنگی و تبلیغاتی به جنگ ما بیایند، به همین دلیل، ما باید در ابعاد مختلف علیه این جنگ شناختی واکنش نشان دهیم.

به گزارش سپاه نیوز، حجت‌الاسلام عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همایش طلاب و روحانیون بسیجی استان مرکزی گفت: ما امروز در برهه‌ای قرار داریم که دشمنان نظام اسلامی به شدت در تلاشند با ایجاد نفاق و بدبینی در میان مردم، وحدت ملی و دینی را مختل کنند، اما ما با هدایت الهی و بصیرت ملت ایران، بر این توطئه‌ها غلبه خواهیم کرد.

وی به تهدیدات و چالش‌های کنونی اشاره و ضمن تأکید بر لزوم انسجام ملی و دینی تصریح کرد: دشمنان ما به دنبال این هستند که با طراحی‌های پیچیده، تمامیت ارضی و وحدت نظام اسلامی را زیر سؤال ببرند، ما باید با شناخت کامل از نقشه‌های آنها و درک وضعیت جهانی، هرگونه ناهنجاری و تفرقه را شناسایی و با آن مقابله کنیم.

نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران دارای اشراف اطلاعاتی کامل بر تمامی مراکز قدرت و تحرکات دشمن است، افزود: ما می‌دانیم که در تمام عرصه‌ها، دشمن چه می‌کند و از کجا ضربه می‌زند. امروز، ما برای حفاظت از هویت و موجودیت‌مان، هیچ‌گاه نباید احساس ضعف و ناامیدی کنیم.

وی به نقش کلیدی طلاب و روحانیون در تبیین معارف دینی و مقابله با گفتمان‌های ضدانقلاب اشاره کرد و گفت: حضور شما در این عرصه، نه تنها باعث تقویت باورهای دینی در جامعه می‌شود، بلکه به عنوان یک نیروی محرکه، امید و اعتماد را در دل مردم زنده نگه می‌دارد، امروز بیشتر از هر زمان دیگری به شما نیاز داریم تا معارف عالی اسلامی را در جامعه تبیین و با برگزاری جلسات و مراسم‌های دینی، روح جامعه را تقویت کنید. حاجی‌صادقی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به موضوع جنگ شناختی اشاره کرد و گفت: دشمنان ما در پی شکست‌های نظامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید با نیرنگ‌های فرهنگی و تبلیغاتی به جنگ ما بیایند، به همین دلیل، ما باید در ابعاد مختلف از جمله آموزش و پرورش، فرهنگ و رسانه‌ها، علیه این جنگ شناختی واکنش نشان دهیم.

تحلیل

فائزه‌سادات یوسفی

«دزدی دریایی» تقلای امریکا برای بازسازی شکست

تلاش‌های ایالات متحده برای توقیف یا به تعبیر واقعی‌تر تصاحب کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های کشورهای تحت تحریم یکجانبه را باید در چارچوب تقلای واشینگتن برای حفظ وضعیت موجود و عدم‌تغییر نظم امریکای اول دانست. در چند ماه اخیر امریکا به بهانه‌های مختلفی چون مهار صادرات نفت به ویژه در منطقه پیرامونی ونزوئلا، نفتکش‌های حاضر در آب‌های بین‌المللی را توقیف کرده است. واشینگتن پیش از این دو نفتکش دیگر به نام‌های اسکیپر و سنچریز را به اتهام نقض تحریم‌ها در آب‌های بین‌المللی توقیف کرده بود.

اقدامات واشینگتن نشان می‌دهد رویکرد کاخ سفید از فاز غیرمستقیم «تحریمی» به فاز مستقیم «توقیف فیزیکی» متحول شده است و اهداف متنوعی را در خود می‌پروراند. اول آنکه امریکا درصدد است بر شبکه حمل‌ونقل نفت کشورهای تحت تحریم، به ویژه ونزوئلا فشار وارد و به طور عملی شبکه دور زدن تحریم‌ها را مهار کند. دوم آنکه، مصادره کشتی‌ها و نفتکش‌ها با بهانه‌های جعلی، رویه جدیدی از سیاست خارجی امریکا را بر پایه سرقت سازمان‌یافته بین‌المللی توجیه‌پذیر می‌کند و با ناامن‌سازی آب‌های آزاد، به کشورهای تحت تحریم و همچنین رقبای راهبردی خود در عرصه تجارت بین‌المللی هشدار می‌دهد. سومین دلیل به ناتوانی‌های متعدد امریکا در خنثی‌سازی نفوذ و تغییر رفتار رقبایش در عرصه بین‌الملل دلالت دارد. هدف دیگر واشینگتن، گروکشی و نمایش قدرت در راستای تأمین منافع کلان برای ایجاد توازن به تهدیدات متأثر از نفوذ چین، روسیه و ایران در حیاط خلوت امریکاست، اما هدف غایی کاخ سفید از این اقدامات غیرقانونی، مقابله با تغییر نظم جهانی و فروپاشی نظام تک‌قطبی است. رفتار تهاجمی امریکا بیانگر عینی‌شدن یکجانبه‌گرایی امریکا و تنها شدن او بیش از هر زمانی عیان شده و این موضوع نشان می‌دهد دولت‌ها و مناسبات حقوقی و جهان دیگر با او همراهی نمی‌کنند.

■ راهزنی دریایی مدرن

امریکا سابقه طولانی در سرقت مدرن ثروت و دارایی کشورها با بهانه‌های مختلف دارد. یکی از نمونه‌های عینی، سرقت نفت سوریه و حتی عراق به بهانه مبارزه با داعش و ضرورت حضور در منطقه است. بعد از به اصطلاح شکست داعش، نیروهای امریکایی مستقیماً بر برخی چاه‌های نفت سوریه مسلط شدند و از همان زمان شروع به استخراج و سرقت نفت سوریه و انتقال آن به پایگاه خود کردند. امریکا حتی با مشارکت دیگر شبه‌نظامیان مستقر در شمال سوریه مانند قسد، منابع ملی و محصولات استراتژیک مانند نفت، گندم و جو را غارت و مردم سوریه را از آن محروم می‌کرد. اکنون نیز توقیف نفتکش‌ها یا کشتی‌های تجاری کشورهای تحت تحریم به مثابه راهزنی دریایی در قالب استعمار مدرن است.

در بیانیه‌های ترامپ و مقامات امریکا، تصرف دارایی‌های نفتی از سوی ونزوئلا برای حفظ حاکمیت ملی خود، بارها «سرقت» نامیده شده است. در حالی که واقعیت تاریخی نشان می‌دهد این امریکاست که نقش اصلی دزد بین‌المللی را ایفا می‌کند، زیرا شرکت‌های امریکایی دهه‌ها با تسلط بر نفت ونزوئلا، سودهای کلان و نامشروعی را به جیب زده‌اند. ملی‌سازی صنعت نفت از سوی ونزوئلا، در واقع پایان‌دادن به این غارت سیستماتیک و استرداد ثروت ملی بود. اکنون، امریکا تلاش می‌کند با توجیه راهزنی مدرن خود، هم سرقت‌های تاریخی‌اش را کتمان و هم حق قانونی و مشروع کشورهای خارج‌شده از استعمار در بازپس‌گیری منابع ملی ازدست‌رفته را به عنوان «دزدی» معرفی کند.

■ توسعه شبکه ضدتحریم‌ها

عدم‌کارایی تحریم‌ها و توسعه ائتلاف‌های ضدتحریمی، نمایانگر ناکارآمدی ابزار تحریم به عنوان آخرین برگ برنده امریکا برای فشار بر کشورهاست. علاوه بر آن، تحریم‌ها به جای آنکه نفوذ و تسلط امریکا را افزایش دهد، به تقویت و گسترش رویکرد ضدامریکایی در جهان منجر شده است. کشورهای بسیاری برای حفظ استقلال و دورماندن از عواقب منفی ادغام در نظم اقتصادی غربی، ترجیح می‌دهند به طور مستقل سازوکارهایی را برای تأمین منافع خود ایجاد کنند. این روند به تناسب تهاجمی‌ترشدن سیاست‌های امریکا با سرایت به عرصه سیاست بین‌الملل، سبب تضعیف جایگاه امریکا به عنوان قدرت بالادستی در صحنه جهانی شده است.

در این میان همکاری‌های نزدیک مخالفان امریکا یعنی چین، روسیه و ایران که بسیاری آن را بلوک شرق می‌نامند، تهدیدی جدی برای واشینگتن تلقی می‌شود و سبب تغییر رفتار امریکا شده است. امریکا با دستاویز قرار دادن بهانه‌های مختلفی چون تروریسم، تهدید اقتصادی، عامل بی‌ثباتی و غیره و با استفاده از تحریم، فشارهای سیاسی و تهدیدات امنیتی تلاش می‌کند خود را از این تهدیدات رهایی بخشد. توقیف کشتی‌ها و نفتکش‌ها هم در همین چارچوب تحلیل می‌شود.

این کشور در واکنش به ناتوانی در پیشبرد مؤثر سیاست‌های خود تلاش دارد با حضور در آب‌های بین‌المللی و اختلال در شبکه توزیع نفت تحریمی، بر آن تأثیر مستقیم بگذارد تا با این شیوه عقب‌ماندگی و شکست راهبرد تحریمی خود را جبران کند.

■ هراس از انزوا

روند تغییر نظم جهانی به سمت چندقطبی‌شدن و همچنین ناتوانی سیاست خارجی امریکا برای حفظ برتری امریکا، سبب شد کاخ سفید برای احیای قدرت و ترمیم راهبردهایش برای سیطره بر جهان به انزوای جبری و مقطعی روی آورد. طبق سند جدید استراتژی امنیت ملی ایالات‌متحده، واشینگتن بر تقویت پیوندهای خود با کانادا، امریکای لاتین و همسایگان نزدیک تمرکز دارد و سیاست انزواگرایی سنتی خود را با رنگ و بویی تازه به اجرا می‌گذارد، بنابراین ایجاد جنگ‌هایی که از آن با عنوان جنگ سایه هم نام برده می‌شود، نوعی از تکاپوی امریکا برای احیای برتری در منطقه امریکای لاتین تلقی می‌شود که تلاش دارد در کل جهان نیز منتشر شود.

اگرچه امریکا طی سال‌های گذشته این جنگ سایه را علیه ایران نیز به راه انداخته است، اما ایران با اقدامات متقابل و تلافی‌جویانه به موازنه‌سازی تهدید پرداخته و رفتار تهاجمی و خودسرانه امریکا را در میدان جنگ سایه خنثی یا مهار کرده است. توقیف نفتکش‌های مرتبط با امریکا یا متحدانش در تنگه هرمز در چارچوب پاسخ متناظر، واکنشی مستقیم و ضروری به توقیف محموله‌های ایران در آب‌های بین‌المللی است که می‌تواند امنیت تجارت دریایی را ضمان و با تهدیدات واشینگتن مقابله کند، بنابراین امریکا با بازسازی میدان جدید منازعه در آب‌های بین‌المللی، چالشی جدید در میانه چالش‌های گذشته برای خود ایجاد کرده است که می‌تواند بر راهبردهای جهانی و منطقه‌ای آن اثر معکوس بگذارد.

دفاعی

مشاور فرمانده کل سپاه:

امریکا و اسرائیل در غزه شکست تمدنی خوردند

وقتی جمعیتی مثل غزه دو سال زیر آتش و در محاصره کامل پابرجا و زنده است، آیا کسی تمدن مقابل او را می‌پذیرد؟ آنها در غزه شکست راهبردی خوردند اما شکست اصلی‌شان تمدنی است.

به گزارش تسنیم، سردار محمدرضا نقدی، مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران طی سخنانی در مراسم بزرگداشت شهید سلیمانی و آیت‌الله مصباح‌یزدی در دانشگاه تهران گفت: امروز ما درگیر جنگی فراتر از نظامی هستیم و به گفته رهبر انقلاب در روز ولادت حضرت زهرا(س) جبهه کارگزاران باید این جنگ را به خوبی بشناسد تا به درستی تصمیم بگیرد و حرکت کند. سردار نقدی با بیان اینکه سطحی‌شدن از آفت‌های امروز جامعه ماست که آسیب‌های زیادی به ما زده است، ادامه داد: چند سال پیش اگر می‌خواستید در این دانشگاه از اقتصاد مقاومتی و داخلی‌سازی بگویید از سوی استاد و دانشجو تخطئه می‌شدید.

در آن زمان تصویری پیش روی ما قرار داده بودند که بر اساس آن دیگر اقتصاد داخلی در جهان وجود نداشت و همه باید به سمت جهانی‌شدن می‌رفتیم، البته به گفته بسیاری از کارشناسان مسائل دنیا را به‌گونه‌ای تصویرسازی می‌کنند که شما به جای واقعیات بر اساس تصویری که از واقعیت‌ها به شما ارائه می‌دهند، تصمیم بگیرید.

مشاور فرمانده کل سپاه در ادامه با بیان اینکه امریکا که خود را مبدأ تحولات اقتصاد جهانی می‌نامید، امروز مبدأ وضع تعرفه‌های عجیب و غریبی بر اقتصاد و واردات شده است، افزود: کسانی که ادعای جهانی‌شدن و آزادشدن اقتصاد داشتند و می‌گفتند هر کشوری برای واردات خود تعرفه ببندد، از چرخه و حلقه اقتصاد جهانی دور می‌شود و اجازه صادرات ندارد، امروز در مقابل جنگ تعرفه‌ای که امریکا راه انداخته است، چه پاسخی دارند؟ سطحی نگاه کردن آسیب‌هایی از این دست دارد، بنابراین همواره باید با برنامه و به دور از سطحی‌نگری اندیشید تا بتوان به‌درستی تصمیم گرفت.

نقدی در ادامه با بیان اینکه برخی معتقد بودند مدیریت امریکا یک مدیریت فهیم، علمی و حساب شده است، به نتیجه بررسی‌های عملکرد و تصمیمات اخذ شده دولتمردان این کشور بر اساس سند امنیت ملی ۲۰۲۵ امریکا اشاره کرد و گفت: اگر بخواهید فضاسازی و تصویرسازی را کنار بگذارید و وارد لایه‌های واقعی شوید، می‌بینید خود آنها نیز اذعان دارند

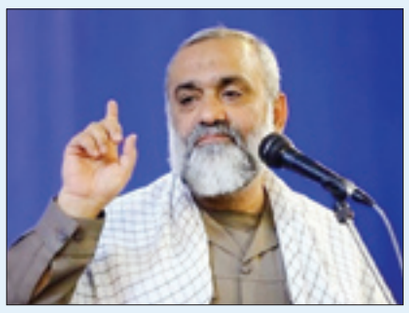

در استراتژی‌های‌شان در غرب آسیا و به قول آنها خاورمیانه شکست خورده‌اند. در این سند آمده است که معتقدند در تمام این استراتژی‌ها شکست خورده‌اند. یک سال صدور این بیانیه را به تأخیر انداختند اما بعد از یک سال تعویق اعلام کردند «بعد از جنگ سرد در تمام استراتژی‌های‌مان شکست خوردیم» و دلیل آن را تصمیمات خود بر پایه مسائل غیرواقعی یا بهتر بگوییم تخیلات بی‌پایه می‌دانند.

مشاور فرمانده کل سپاه گفت: خود آنها در دلایل این شکست در کنار خیال‌پردازی‌های مسئولان کشورشان کمبود اعتبارات را اعلام می‌کنند. می‌گویند ۸هزارمیلیارد دلار در مسائل خارجی هزینه کردیم که بخش زیادی از آن در غرب آسیا هزینه شده است. امریکا تنها ۳هزارمیلیارد دلار در افغانستان هزینه کرده و دستاوردشان فرار از این کشور بود. فقط ۸۵میلیارد دلار سلاح در افغانستان جا گذاشتند و بسیاری از مزدوران‌شان را هم با خودشان نبردند و برخی بر بال هواپیما سوار شدند. دو نفری را هم که با خود بردند در کنار کاخ سفید دو نیروی گارد آنها را کشت. مردم افغانستان امروز از امریکایی‌ها متنفرند. در عراق هم این همه هزینه کردند اما نهایتاً پارلمان عراق به خروج آنها رأی داد. در انتخابات اخیر عراق از ۱۷۸ کرسی شیعیان عراق حتی یک صندلی به افرادی که گرایش امریکایی‌ها داشتند، نرسید.

سردار نقدی افزود: تفکر جهانی‌سازی و دهکده جهانی به تولید و اقتصاد صنعتی آنها ضربه زد و باعث مهاجرت بخشی از این افراد به شرق آسیا شد. چینی‌ها، کره‌ای‌ها و ژاپنی‌ها در کار، تولید و بهره‌وری از آنها جلو زدند و می‌دانند به آنها نمی‌رسند ولی با تعرفه بستن به واردات این کشورها می‌خواهند در اقتصاد به همسانی برسند.

وی با اشاره به اینکه امروز معتقدند باید همپیمانان خود را متقاعد کنند که هزینه سلاح‌ها را بپردازند، گفت: امروز نوبت ونزوئلاست. اگر با این کشور نجنگند برای‌شان بد می‌شود، اگر هم بجنگند اوضاع بدتر می‌شود، زیرا این کشور در همسایگی آنهاست. کینه و نفرتی که از سیاست‌های این کشور سرتاسر جهان را گرفته است، از آسیا تا امریکا را شامل می‌شود. میدانی بزرگ در همسایگی خود باز کرده و مدعی گرینلند و کانادا شده‌اند.

نقدی با یادآوری اینکه امروز در صحنه نبرد با ما در جنگ اخیر نیز شکست خوردند، گفت: اگر شکست نخورده بودند، درخواست آتش‌بس نمی‌دادند. طرفی که شکست خورده درخواست آتش‌بس می‌دهد، البته ما هم ضربه خوردیم ولی ضربات خوبی هم زدیم. می‌گویند پیروز هستند و سوریه را مثال می‌زنند اما بعد از یک سال آنهایی که از حضور ایران در سوریه گلایه داشتند هم به این نتیجه رسیدند که حضور ایران در آنجا حکیمانه بود. وی با اشاره به اینکه امریکا و اسرائیل تلاش می‌کنند با تصویرسازی نشان دهند پیروز شده‌اند، تصریح کرد: آنها در عرصه راهبردی شکست بزرگی خوردند. نزدیک ۷۰سال تلاش کردند جمعیت خودشان را افزایش دهند و برابر با فلسطینی‌ها کنند ولی وقتی توانستند به اندازه این جمعیت برسانند، با مهاجرت معکوس و فرار جمعیت روبه‌رو شدند. امروزه اکثر روستاهای آنها در شمال و اطراف لبنان خالی است. اگر این شکست نیست، پس چیست؟ آنها در برابر غزه یک شکست تمدنی خوردند. اساس تفکرشان در دنیا شکست خورد و امروز کسی دیگر نمی‌پذیرد فکر امریکایی‌ها برتر است.

سردار نقدی گزینه مورد اقبال امروز مردم جهان را اسلام خواند و گفت: وقتی جمعیتی مثل غزه دو سال زیر آتش شدید و در محاصره کامل هنوز پابرجا و زنده است، آیا کسی تمدن مقابل او را می‌پذیرد؟ آنها در غزه شکست راهبردی خوردند اما شکست اصلی‌شان تمدنی است.

وی انتخاب برخی فرمانداران و شهرداران مخالف با اسرائیل را در همین راستا خواند و گفت: دیدید در انتخاب چندین فرماندار و شهرداری در امریکا، کسانی رأی آوردند که مخالف اسرائیل بودند، در حالی که چند سال قبل اقبال به سمت کسانی بود که اسرائیل از آنها حمایت می‌کرد، حتی اگر این مسئولان بعدها ضداسرائیل هم عمل نکنند، همین که انتخاب شدن‌شان به دلیل مخالفت با اسرائیل است، برای این رژیم شکست است.

وی افزود: در انگلیس هر هفته یک تظاهرات در حمایت از فلسطین برگزار می‌شود، بنابراین امروز تفکر اسلام و مقاومت به همه‌جا رسوخ کرده است.

خبر

در شامگاه ولادت حضرت عیسی(ع) صورت گرفت

دیدار پزشکیان با خانواده شهید مسیحی

در شامگاه ولادت حضرت عیسی مسیح(ع) دکتر پزشکیان با حضور در منزل خانواده شهید والامقام رازمیک خاچاطوریان از شهدای سرافراز جامعه مسیحیان ایران با این خانواده دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری در این دیدار صمیمانه که با هدف تجلیل از مقام شامخ شهدا و تکریم صبر، ایثار و استقامت خانواده‌های معظم آنان و همچنین تبریک ولادت حضرت عیسی(ع) و سال نوی میلادی صورت گرفت، پزشکیان با گرامیداشت یاد و خاطره این شهید گرانقدر و نقش بی‌بدیل همه اقوام و ادیان الهی در دفاع از استقلال، عزت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران، حضور و فداکاری شهدای مسیحی در دفاع مقدس را جلوه‌ای روشن از وحدت ملی و همدلی عمیق ملت ایران دانست. رئیس‌جمهور همچنین با تجلیل از صبر و ایستادگی خانواده شهید خاچاطوریان، عزت و اقتدار امروز کشور را مرهون ایثار شهیدان و استقامت خانواده‌های بزرگوار آنان دانست و تصریح کرد که قدردانی از این عزیزان وظیفه‌ای همیشگی برای مسئولان نظام به شمار می‌رود و امیدواریم شرمنده شهدا نشویم. در این دیدار خانواده شهید رازمیک خاچاطوریان و همچنین آرا شاوردیان، نماینده مسیحیان در مجلس شورای اسلامی نیز با قدردانی از حضور و توجه رئیس‌جمهور اسلامی ایران بر پایبندی خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی و تداوم راه شهدا در مسیر خدمت به ایران عزیز تأکید کردند.

یادداشت

جهان در دل گذار تاریخی

جهان امروز در نقطه‌ای ایستاده است که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک دوره بحران گذرا یا تلاطم سیاسی معمولی توصیف کرد، بلکه آنچه در حال وقوع است نشانه‌هایی روشن از ورود به یک گذار تاریخی عمیق و بنیادین را در خود دارد که با افول سلطه تک‌بعدی غرب همراه شده است. این وضعیت همان «برزخ تاریخی» است که در آن نظم مسلط پیشین که بر پایه هژمونی تحمیلی بنا شده بود، در حال فروپاشی است و نظم جدید هنوز متولد نشده است و در این فاصله میان مرگ جهان قدیم و زاده نشدن جهان جدید، انواع پدیده‌های ساختارشکنانه و رفتارهای نابهنجار در سیاست بین‌الملل ظهور می‌کند. امروز سیاست جهانی دقیقاً در همین دوره مبهم قرار گرفته است که در آن هنجارهای تثبیت‌شده گذشته که دهه‌ها ابزار تأمین منافع قدرت‌های خاص بود، کارایی خود را از دست داده‌اند و هیچ جایگزین پایداری نیز برای آنها تعریف نشده است.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۸۶ خود نوشته است: تحولات بزرگ تاریخی هیچ‌گاه به‌صورت دفعی و ناگهانی رخ نمی‌دهند بلکه این دگرگونی‌ها همواره جریانی تدریجی، انباشتی و گاه نامحسوس دارند که در زیر پوست حوادث روزمره پیش می‌روند. واقعیت این است که جهان در دل یک «پیچ تاریخی» مهم حرکت می‌کند که در آن هندسه قدرت جهانی از غرب به سمت شرق در حال بازترسیم است و الگوهای سنتی رهبری جهانی دیگر پاسخگوی نیازهای جدید و مطالبات ملت‌های مستقل نیستند. نظم بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، برخلاف ادعاهای تبلیغاتی، نه برای صلح جهانی بلکه بر مجموعه‌ای از قواعد و نهادها استوار بود که امریکا از آنها به عنوان پوششی برای پیشبرد اهداف امپریالیستی خود استفاده می‌کرد. این ساختار بر این فرض بنا شده بود که امریکا با صرف هزینه‌های نظامی و اقتصادی، سلطه خود را به عنوان تنها پلیس جهانی حفظ کند اما امروز به دلیل فرسودگی داخلی و شکست‌های پی‌درپی راهبردی، این فرض به‌طور کامل فرو ریخته است.

امریکا به دلیل بحران‌های انباشته و کاهش معنادار قدرت تعیین‌کنندگی‌اش، نه‌تنها دیگر توان مدیریت یک‌جانبه نظم جهانی را ندارد، بلکه خود به اصلی‌ترین عامل ایجاد ناامنی و تخریب ساختارهای موجود تبدیل شده است. خروج از معاهدات بین‌المللی، بی‌اعتنایی سیستماتیک به معاهداتی که خود روزی مدافعش بود و برخورد کاملاً ابزاری با قواعد جهانی، همگی نشانه‌هایی از یک عقب‌نشینی اجباری و زوال هژمونیک هستند که ثبات سیستم قدیم را به مخاطره انداخته است. آنچه امروز واشینگتن تحت عنوان «نظم مبتنی بر قواعد» تبلیغ می‌کند، در واقعیت یک تعهد اخلاقی یا حقوقی نیست، بلکه آخرین تقلاها برای حفظ ابزاری مشروط است که تنها در جهت تأمین منافع فوری آنها کارکرد دارد. در این نگاه، هرجا که قواعد بین‌المللی مانعی برای زیاده‌خواهی امریکا ایجاد کنند، به‌راحتی زیر پا گذاشته می‌شوند و هرجا که بتوان از آنها به عنوان سلاحی علیه قدرت‌های نوظهور و مستقل استفاده کرد، به شکلی گسترده و ریاکارانه برجسته می‌گردند.

به دنبال این افول در عرصه قدرت سخت و نرم، سیاست بین‌الملل به‌سمت بازتولید الگوهای قدیمی حرکت کرده که در آن استفاده عریان از زور برای حفظ بقای قدرت‌های در حال سقوط، دوباره به امری عادی تبدیل شده است. تضعیف اعتبار نهادهای داوری بین‌المللی که روزگاری تحت نفوذ کامل غرب بودند، نشان می‌دهد که قانون حتی در شکل ناعادلانه قبلی‌اش هم دیگر نمی‌تواند نقش بازدارنده ایفا کند و حالا قدرت عریان جایگزین هرگونه منطق دیپلماتیک شده است. در جهان امروز، ارزش و جایگاه کشورها دیگر در شعارهای مربوط به پایبندی به معاهدات تعریف نمی‌شود، بلکه قدرت‌های رو به زوال با روی آوردن به روابط شخصی و منطق معامله‌گرایانه، اخلاق سیاسی را به‌طور کامل قربانی کرده‌اند تا از سقوط خود جلوگیری کنند.

این وضعیت، جهان را به‌سمت یک نظم چندقطبی باثبات نمی‌برد، بلکه به‌سوی نوعی «بی‌نظمی فراگیر» هدایت می‌کند که در آن قدرت‌های غربی برای جبران افول خود، به هرج‌ومرج دامن می‌زنند. در این فضای جدید، بازیگرانی که سال‌ها از پاسخگویی گریخته‌اند با تخریب نهادهای داوری، عملاً راه را برای خشونت سیستماتیک هموار کرده‌اند. این انتقال تاریخی از یک نظم تحمیلی به بی‌نظمی موقت، هزینه‌های سنگینی را بر ملت‌های مستقل تحمیل کرده و ناامنی را به بخش جدایی‌ناپذیر زیست بین‌المللی در این دوره گذار تبدیل نموده است. ما اکنون در دورانی زندگی می‌کنیم که حقیقت نه از طریق حقوق، بلکه از طریق فشار و تخریبِ ناشی از استیصال قدرت‌های قدیمی تحمیل می‌شود.

درک دقیق این لحظه تاریخی و هوشیاری در برابر لرزه‌های ناشی از فروپاشی هژمونی غرب، ضرورتی انکارناپذیر برای بقا و حفظ منافع ملی در نظم جدید است. نادیده گرفتن واقعیت‌های این پیچ تاریخی و دلخوش کردن به ساختارهای فرسوده و در حال احتضار گذشته، خطایی راهبردی است که می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. جهان قدیم با تمام قواعد تبعیض‌آمیزش در حال رفتن است و نظم آینده در حال متولد شدن است، این همان پیچ تاریخی است که رهبر انقلاب در سال‌های گذشته بارها بر آن تأکید داشته‌اند و اکنون رسانه‌های غربی مانند هفته‌نامه گاردین نیز این گذار جهانی را بسیار جدی گرفته و به تشریح آن پرداخته‌اند.